

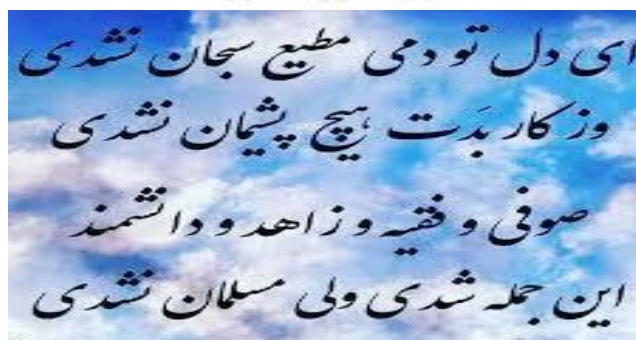


۲۰۱۹/۰۴/۲۸



حمید انوری

## خطاب به هشتم ثوری ها



شعر پر مغز بالا می تواند خطابی باشد به هشتم ثوری ها، چه از جنس لنگی و پکول پوش شان، چه از جنس دریشی و نکتائی پوش شان، چه از جنس ریش و پشم شان و چه هم از جنس زن و مرد شان. این طائفه بی عار و ننگ، گویا هر چیزی شدند، الا انسان و مسلمان، از کوچه افغانیت خو اصلاً باری هم گذر نکرده اند.

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که در خانه خدا عهد و پیمان بستند و فردا آنرا شکستند؟

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که رقص مرده و رقص زنده به راه انداختند و در فرق سر زن و مرد این سرزمین میخ کوبیدند و شادی کردند و پایکوبی؟

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که گوش و بینی هموطنان شانرا بریدند؟

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که طفل را در شکم مادر با برچه دریدند؟

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که از چشم های کشیده شده هموطنان شان کلکیون ها ساختند؟

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که در پاتک های جرم و جنایت شان مشغول بچه بازی بودند؟

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که انسان را سگ ساخته بودند تا گوشت هموطنان شانرا با چنگ و دندان بکنند؟

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که شبش های موهای کشال و کثیف شانرا بالای هموطنان شان به زور تفنگ به فروش می رساندند؟

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که کابل زیبا را به راکت و توپ بستند و در یک ساعت بیش از هزار راکت کور بر کابل پرتاب کردند؟

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که بیش از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) هموطنان بی گناه و بی پناه و مظلوم شانرا تنها در کابل قتل عام کردند؟

اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند که "اسلام" را با بهترین شکل آن در افغانستان به نمایش گذاشتند؟ اگر نه چنان است، آیا همین ها نبودند و نیستند که "عالم دین" و "شیخ الحدیث" و "آیت الله" و چند چیز دیگر شدند، اما هرگز آدم نشدند؟

این لست سر دراز دارد و از حوصله این مختصر خارج است، اما ضرور می نمود تا در همین فاجعه هشتم ثور تذکری در مورد داده شود" تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد".

جالب تر و مهم تر از همه اما در این مقطع تاریخ کشور این تواند بود که با تمام وحشت و بیداد و جرم و جنایت هفتم ثوری ها و هشتم ثوری ها و نیز آنانی که بین هردو هنوز سرگردان اند و اما در هر حال شوق ریاست جمهوری دارند، هیچ شکایتی علیه هیچ کاندید ریاست جمهوری؛ از هیچ فرد یا نهادی درج نگردیده است .

**"... مسنولان این کمیسیون می گویند که در برابر 18 نامزد انتخابات ریاست جمهوری، هیچ شکایتی به ثبت نرسیده است.**

زهره بیان شینواری، رئیس کمیسیون شکایات انتخاباتی می گوید، که این کمیسیون آماده ثبت شکایت ها در پیوند به فهرست نخستین نامزدان ریاست جمهوری بود، اما با گذشت حدود سه ماه هیچ فرد و یا نهادی برای ثبت شکایت به کمیسیون مراجعه نکرده است...".

ما که خوب میدانیم اکثر نامزدان ریاست جمهوری در کشور برباد داده شده ما، یا مربوط به باند های هفتم ثوری اند و یا هم به باند های هشتم ثوری؛ اما هک پک می مانیم که چگونه چنین چیزی ممکن است.

ولی و اما و مگر این ناهنجاری می تواند چند دلیل عمده داشته باشد:

۱- یا کمیسیون شکایات انتخاباتی دروغ می گوید.

۲- یا مردم نسبت به انتخابات ریاست جمهوری بی تفاوت شده اند.

۳- یا هم اینکه هردو.

۴- و یا هم اینکه مردم را در هژده سال پسین در یک حالتی قرار داده اند که فاتحه بازخواست و عدالت را خوانده اند و بگفته مشهور "شتر دیدی، ندیدی".

اینان که برین ملك كنون سرهنگ اند

خضم هنر و زندگی و فرهنگ اند

فردا که ورق خورد کتاب تاریخ

مشتی نام اند و معنی هر ننگ اند

